طرح مسأله

پس از قرآن کریم اولین مرجع مهم در شناخت احکام و عقاید، سنت و روایات معصومین(علیهم السلام) است.اعتبار و جاودانگی این ذخیره بزرگ، حقیقتی است که خداوند در آیات مختلف آن را برای مسلمانان ضرورتی قطعی اعلام فرموده است. از سوی دیگر سنن و روایات پیامبر(صلی الله علیه و آله) و امامان معصوم(علیهم السلام) در طی تاریخ پرفراز و نشیب خود با حوادث و نابسامانی های مختلفی روبرو شده که این حوادث بر میزان اصالت و خلوص آن تأثیر گذاشته است، به همین سبب استفاده مناسب از سنن و روایات موجود جز با فهم حدیث و تمییز سره از ناسره امکان پذیر نخواهد بود. از این رو امامان(علیهم السلام) با توصیه های مکرر بر فهم درست روایات و تدبر و تعمق در معنای حدیث تأکید کرده و محدثان با پافشاری بر فهم صحیح و نقادانه حدیث و پیشگیری از نشر اکاذیب و کج فهمی ها رسالت خطیر خود را در حفظ و انتقال میراث گرانبهای برجای مانده از پیشوایان دین به انجام رسانده و با بکارگیری همه توان خویش در حل و شرح مشکلات حدیث گام هایی بلند برداشته اند که در قالبگردآوری و تنظیم و شروح کوتاه و بلند جلوه کرده است.گرچه انگیزه، هدف، شیوه و محدوده احادیث گردآوری شده یکسان نبوده است اما در مجموع تلاش محدثان، زمینه حفظ و بقاء آثار شیعه را فراهم آورده است. بر این اساس یکی از راه های اعتلای مکتب شیعه معرفی آثار عالمانی است که تلاش خود را در این راه وجهه همتشان قرار داده اند.در این پژوهش سعی شده است روش بحرانی، مؤلف کتاب "عوالم العلوم" در جمع آوری و شرح روایات بررسی گردد لکن با توجه به وسعت مجلدات کتاب و فقدان برخی از آنها به منظور تمرکز بیشتر در این موضوع، جلد بیست و دو کتاب که مربوط به شرح حال و زندگی امام رضا(علیه السلام) می باشد، انتخاب شده است.

"عوالم العلوم و المعارف و الاحوال من الایات و الاخبار و الاقوال"تألیف شیخ عبد الله بن نورالله بحرانی اصفهانی محدث، فاضل، نقاد و از عالمان قرن ۱۲ هجری است.از شرح حال و تاریخ تولد و وفات وی اطلاعاتی در دست نیست.همچنانکه در بعضی از کتب تراجم از او یادی نکرده اند و در تراجم قرن حاضر نیز درباره او اطلاعات محدودی ثبت شده است؛تنها از مقدمه طولانی وی در کتاب عوالم می توان دریافت که وی از شاگردان علامه مجلسی – متوفی۱۱۱۱ ق– بوده است و هنگام تألیف بحار همکار مجلسی بوده و نزدیک بیست سال بر

گونه شناسی روش بحرانی در حدیث نگاری عوالم العلوم با تکیه بر جلد بیست و دو

عاطفه زرسازان[1]

چکیده

بحرانی صاحب تألیف "عوالم العلوم و المعارف و الاحوال من الایات و الاخبار و الاقوال" از محدثان شیعه و هم عصر علامه مجلسی بوده است. این کتاب مستدرک بحارالانوار و مجموعه حدیثی بزرگی است که مجلدات آن به صد جلد می رسیده است. در این میان جلد بیست و دو کتاب در موضوع شرح حال امام رضا (ع) نگارش شده است. در این نوشتار سعی شده است پس از ارائه سبک کلی و ذکر امتیازات کتاب، روش بحرانی در تبیین احادیث بیان گشته و در نهایت به بررسی روایات از حیث سند، پرداخته شود. رهاورد این پژوهش معطوف به این حقیقت است که احادیث با ترتیبی خاص به همراه براهینی نیکو با ذکر کامل سلسله سند و روایت از منابع متعدد و اعتنا به نسخ دیگر درج گردیده است. وی جهت فهم بهتر روایات از آیات قرآن، شرح واژگان،کنایات و در بعضی موارد از منقولات تاریخی و علوم ادبی بهره برده است.

کلید واژه ها: امام رضا(علیه السلام)، بحرانی، عوالم العلوم، روش شناسی، روایت

۱- استادیار دانشگاه مذاهب اسلامی zarsazan@gmail.com

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-11]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1394.9.17.5.0]

وی قرائت کرده و از وی اجازه حدیث داشته است(حسینی،۳۸).مجلسی از او به فرزندی عزیز تعبیر می کند(همو، شماره۷، ص۱۲۸).بحرانی نیز خود در مقدمه "عوالم العلوم" مخطوط، به شاگردی بیست ساله اش نسبت به مجلسی اشاره می کند و ضمن تجلیل فراوان، اعتماد خود را در تألیف بر استاد میداند(مهدوی،۲/ ۵۷).

آنچه از مقدمه کتاب به دست می آید که وی در تنگنای مادی به سر می برده و سفرهای متعددی به مشاهد شریفه چون مکه، مدینه، نجف، کربلا، سامرا و مشهد داشته است. جماعتی از اعلام چون محمد رفیع جیلانی و محمد اکمل پدر وحید بهبهانی از او روایت کرده اند. او قبل از نگارش این مجموعه، کتاب "جوامع العلوم" که همه علوم متداول زمان خودش را در آن جمع کرده و کتاب "جوامع الاداب" که کتاب بزرگ و مهمی بوده را نگاشته است(حسینی، شماره۷، ص۱۲۹). آقا بزرگ تهرانی "جوامع العلوم" را کتاب مستقل دیگری نمی داند وی بر این باور است که نام این مجموعه بعد از چاپ بعضی مجلدات آن مانند مقتل در سال ۱۳۱۸ق به "عوالم العلوم" تغییر می یابد در حالی که قبلا با نام "جوامع العلوم" از آن یاد می شده است (تهرانی،۱۵/ ۳۵۶)."عوالم العلوم" مجموعه حدیثی بزرگی است که طبق نقل صاحب الذریعه تعداد مجلدات آن بسیار بیشتر از بحار الانوار بوده و گویا مجلدات آن به صد جلد میرسیده است. وی می نویسد:کتاب "جوامع العلوم و المعارف و الاحوال من الایات و الاخبار و الاقوال"کتاب بزرگی است که به مقدار کثیری نسبت به مجلدات بحار الانوار بیشتر است بلکه گفته میشود که به صد جلد میرسد و شنیده ام که همه آن در یزد موجود است(تهرانی،۱۵/ ۳۵۶). صاحب اعیان الشیعه نیز به بیشتری عوالم نسبت به بحارالانوار اشاره کرده است اما اضافه می کند که تنها ٥٤ جلد آن موجود است (امین،۸/ ۸۷۰). میرزای نوری عوالم را بحاری دیگر میداند جز آنکه بحرانی روش مجلسی را در ترتیب، تغییر داده و اسمش را عوض کرده است (نوری، ۱۰۲/ ۹۸)؛ لکن به نظر می رسد این قضاوت عجولانه ای است و بحرانی در جمع و گردآوری روایات توسعه بسیاری داده و به منابع و مصادری که مجلسی به آنها نپرداخته، اعتنا کرده است. همچنین ابواب دقیق برای هر موضوع اعتقادی و فقهی و غیر آن قرار داده و احادیث را در باب مناسب خودش جای داده است.

درباره انگیزه تألیف این کتاب گفته شده است: پس از آن که مجلسی تألیف و تدوین بحار الانوار را سامان داد بر آن شد تا با نگارش مستدرک[1]بحار تمام اخبار و احادیث اهل بیت(علیهم السلام)را یک جا گرد آورد و به شرح آن بپردازد.مجلسی در آغاز بحار الانوار اینگونه می نویسد: به زودی برخی اخبار کتب پیشینیان که بنا به جهاتی از آنها روایات کثیری نیاوردم، در یک کتاب جداگانه به نام مستدرک بحار ذکر می کنم زیرا الحاق به بحار سبب تغییر بسیاری از نسخ متفرقه در بلاد میگردد(مجلسی،۱/ ٤٦) و در خاطرم این گونه می گذرد که اگر اجل فرصت دهد و توفیق و فضل الهی مددکار شود بر این کتاب شرح کاملی را بنویسم که در بر دارنده اهدافی باشد که در تصنیف های اصحاب یافت نمی شود.شرحی که مطلب در آن برای خردمندان به نهایت رسد(مجلسی،۱/ ۵).لکن با درگذشت وی این آرزو انجام نپذیرفت و پس از چندی شیخ عبدالله بحرانی در پی انجام آرزوی استاد خویش برآمد.

در این نوشتارقبل از ورود به بحث اصلی ابتدا مباحثی درباره سبک کلی "عوالم العلوم" و معرفی جلد بیست و دو پرداخته سپس بحث های اصلی را پی می گیریم.

۱ - ساختار کلی کتاب

"عوالم العلوم"به حسب تقسیم مؤلفدر صد کتاب میباشد. پنجاه کتاب در اصول و پنجاه کتاب در فروع و مجموع جزءهایش صد و بیست و هشت جزء است که در آن آیات کریمه و روایات ائمه (علیهم السلام) در موضوعات اعتقادی و فقهی ذکر شده است. در هر باب آیات مناسب با آن، ابتدا یاد می شود سپس نوبت به احادیث مربوطه می گردد و اگر مطلب به شرح نیاز داشته باشد به صورت مختصر با عنوان "بیان" یاد می شود(بحرانی،۲۲/ ۷).بحرانی با نگارش کتاب عوالم روایات زیادی را با نظمی جدید، همراه با ابداع در تنظیم و ابتکار در عناوین یکجا گرد آورد. نظم منطقی این کتاب را در دو زمینه میتوان مشاهده کرد:الف)کثرت عناوین مرتبط و در عین حال جمع آوری آن عناوین در یک جا در حالیکه بحار الانوار،کتابی است که نسبتا از عناوین اصلی کمی برخوردار است. بحرانی در تنظیم ابواب خود گر چه از محتوای بعضی از کتب قدما نیز استفاده برده است اما غالبا همان مطالب موجود در بحار الانوار را به صورتی دیگر و با نظم منطقی در ابواب جدید ریخته است، البته احاطه ایشان به ابحاث بحار الانوار

۱- کتابی است که به عنوان متمم کتاب دیگر و با همان شروط احادیثی را که از کتاب سلف فوت شده، گرد آوری نموده باشد(شانه چی، ۲۲۰).

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-11]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1394.9.17.5.0]

سبب شده است که از ابواب متعدد و کتب متعدد بحار در تنظیم مطالب خود بهره جوید بر همین اساس بعضی کار بحرانی را ادامه بحار دانسته و وی را محقق آرزوی برآورده نشده مجلسی دانسته اند(نوری، ۱۰۲/ ۹۸).ب) تنظیم تاریخی روایات و اخبار در یک باب، حال آنکه این نکته در بحارالانوار به ترتیب خاصی به چشم نمی خورد. بر این اساس بحرانی ابتدا روایات منقول از پیامبر(صلوات الله علیه و آله) پس از آن از صحابه و تابعین، بعد روایات ائمه(علیهم السلام) به ترتیب و در آخر به مطالب منقول از کتب قدما پرداخته است. فایده اینگونه تنظیم، به دست آوردن سیر تاریخی یک مسأله و موضع هر یک از معصومین، اصحاب و ارباب کتب با هر پدیده مطرح اجتماعی است.

جلد اول کتابدر مقدمات و اصطلاحات و ذکر منابع و جلد دوم و سوم در باب عقل و جهل و کتاب علم است. جلد چهارم تا هشتم درباره مباحثی از اصول دین، چون توحید و عدل و نبوت می باشد و از جلد نهم تا بیست و ششم شامل احوال پیامبر(صلوات الله علیهو آله) و حوادث بعد از ایشان و احوال فاطمه زهرا(صلوات الله علیها) و سایر ائمه(علیهم السلام) تا امام مهدی(علیه السلام) است که شرح حال هر یک از ائمه(علیهم السلام) به طور مجزا در یک جلد به نگارش درآمده است. بقیه اجزاء این مجموعه شامل برزخ و معاد، مکارم اخلاق، اوامرو نواهی، آداب و سنن و فروعات دین و ابواب فقهی و احوال بعضی رجال و اجازات بعضی علما را شامل می شود. مقدمه این مجموعه شامل چهار مطلب است. مطلب اول در منابعی که از آن نقل می شود، مطلب دوم در نقل نص مقدم بعضی منابع، مطلب سوم در اصطلاحاتی است که مؤلف در کتاب به کار برده و مطلب چهارم در رموز کتبی است که از آنها مطلب نقل شده است. مجلد بیست و دو این مجموعه که در شرح احوالات امام رضا(علیه السلام) می باشد از ۲۸ باب که هر باب به تفکیک موضوع به بخش هایی تقسیم شده است و ٥١٤ حدیث تشکیل شده است[1].

۱- چاپ مجلدات موجود از این مجموعه با تحقیق سید محمد باقر ابطحی در حال انجام است و تا کنون چندین مجلد آن همراه با تصحیح و تعلیقات چاپ شده است. در این راستا در غالب ابواب عوالم العلوم استدراکاتی اضافه شده است. کار عمده این تحقیق،تلاش در جهت ارائه مصادر احادیث موجود در عوالم از بحار الانوار و کتب اصلی و نیز از دیگر مراجع معتبر است. ابطحی در این مجلد۱۸۵ مستدرک اضافه کرده است که در مجموع ٦٩٩ حدیث می باشد.

۲- امتیازات کتاب عوالم العلوم

هدف از این بحث معرفی بیشتر این میراث شیعی است. ویژگی های بارز کتاب را می توانترتیب نیکو در آوردن روایات در باب مناسب، بی نیاز کردن محقق از مراجعه به اسناد، ذکر موارد تقطیع، اختصار در ذکر سند دانست. اهتمام مؤلف بر این بوده است که با این مختصات، روایات را از کتب شیعه با همان اسنادی که در کتب آمده است و به دور از تطویل، جمع آوری و شرح نماید. با توجه به این مقدمات، به شرح امتیازات کلی این کتاب می پردازیم:

۲-۱- ترتیب نیکو در آوردن روایات در باب مناسب

بحرانی روایات را بر اساس متن آنها و به صورت موضوعی دسته بندی نموده و عناوینی برای آن در نظر می گیرد وی در این ترتیب کمال دقت را در چینش روایات بکار برده است چنانکه خود در باب "احضار علما در مجلس مأمون" ذیل روایتی از "عیون اخبار الرضا" می گوید: تمام آن اخبار را در کتاب احتجاجات و کتاب نبوت آورده ام و اینجا آنچه مناسب این مقام است را ذکر می کنم (بحرانی، ۲۲/ ۳۰٦).

کتاب با باب "اسم و نسب وکنیه امام رضا(علیه السلام)" که شامل ١٦ حدیث است آغاز گشته، سپس سخن از احوال مادر امام (علیه السلام) و کیفیت ولادت ایشان - شامل ١٦ حدیث - به میان آمده است.باب ۳ سخن از نصوص ائمه معصومین (علیه السلام) راجع به امام رضا(علیه السلام) - شامل ٥٢ حدیث - و باب ٤ که از طولانی ترین ابواب این کتاب است با عنوان معجزات و حالات غریب امام (علیه السلام) است که شامل ۱۱۳حدیث می باشد. باب ٥تا ۷ شامل فضایل و مناقب و مکارم اخلاق و سیره امام(علیه السلام) - شامل ۷۰حدیث - و باب ۸ تا ١٦، شامل ۸۷حدیث است که سخن از احوالات امام(علیه السلام) با مأمون است. باب ۱۷ تا ۲۳ شامل احوال نزدیکان، اصحاب، ممدوحین و مذمومین امام(علیه السلام) که دربردارنده ۸٥ حدیث است و بالأخره باب ٢٤ و ٢٥ با موضوع شهادت امام رضا(علیه السلام) شامل ٤٩ حدیث می باشد.از ابواب دیگر کتاب می توان از مرثیه هایی که درباره امام(علیه السلام) سروده شده، برکات روضه رضویه و در انتها، باب استجابت دعا در مشهد رضوی است نام برد که مجموعا ٢٤ حدیث را دارا است.

۲-۲- بی نیاز کردن محقق از مراجعه به اسناد

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-11]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1394.9.17.5.0]

از آنجا که مؤلف احادیث مناسب با یک موضوع را از کتب و اصول مختلف جمع آوری کرده است، در بسیاری از موارد یک روایت را با چندین سند مختلف (رک: باب۱ بخش۳ حدیث۲، باب۳ بخش۱ حدیث۲و۷،باب٤ بخش۱ حدیث۱، ۲۰، ۲٤، ۲۵) یا یک مضمون را با الفاظ و اسناد متفاوت (رک: باب۱بخش۳ حدیث۱، ۲، ۵؛باب۳ بخش۳ حدیث۱ -٤۵؛ باب۲۵ بخش۱ حدیث۱-۱٤؛باب۲۵ بخش۲ حدیث۱-٦) در کنار هم قرار داده است که این امر سبب شهرت یا تواتر معنوی یا اجمالی[1] احادیث می گردد . این امر در بسیاری از باب های کتاب موجود است. به عنوان مثال در باب" نص أبیه علیه فی کبره و عند وفاته" ٤۵ روایت با الفاظ و اسناد متفاوت و با مضمون واحد روایت شده است که امام موسی بن جعفر(علیه السلام) می فرماید: این فقیه ترین اولاد من است که کنیه ام را به او بخشیده ام و با دستش به پسرش علی(علیه السلام) اشاره میکند (باب۳ بخش۳ حدیث ۱) و در روایت دیگر راوی می گوید: نزد موسی بن جعفر بودم دست مرا گرفت و کنار درب اطاقی ایستادیم در را باز کرد دیدم پسرش علی(علیه السلام) را که در دستش کتابی بود که در آن مینگریست. به من گفت او را می شناسی؟ گفتم : بله او پسرت علی (علیه السلام) است. سپس گفت: می دانی این کتاب چیست؟ گفتم: نه. گفت: این جفری است که تنها نبی و وصی در آن نظر می کنند (باب۳ بخش۳ حدیث۵).

همچنین در باب "القاب امام (علیه السلام)" روایتی را با ٤ سند گوناگون ذکر می کند که امام جواد(علیه السلام) فرمودند: خداوند او را رضا نامید چون او راضی به امر خدا در آسمان و راضی به امر رسول(صلوات الله علیه و آله) و ائمه بعدش(علیهم السلام) در زمین بود. راوی می گوید: به اوگفتم آیا هیچیک از پدران شما اینگونه نبودند؟ امام(علیه السلام) می فرماید: بلی. راوی می گوید: گفتم پس چرا از بین آنها، او رضا شد؟ امام (علیه السلام) در پاسخ می فرماید: برای اینکه او به دشمنان مخالفش رضایت داد همانگونه که به دوستان موافقش رضایت داد در حالی که هیچیک از پدران ما اینگونه نبودند(باب ۱بخش ۳حدیث ۲-۵).

۲-۳- ذکر موارد تقطیع

۱- تواتر معنوی آن است که مورد تواتر قدر مشترک چند خبر باشد (ثانی، ۱٤۰۸ق، ٦۰) . به عبارت دیگر مضمون چند حدیث یکی، ولی قالب الفاظ آنها متفاوت باشد و تواتر اجمالی آن است که علم اجمالی به صحت یکی از چند حدیثی که در یک موضوع وارد شده است، بکند (مامقانی، ۱/ ۱٦۵).

تقطیع حدیث یعنی تفریق حدیث برای احتجاج مناسب به ابوابی که متعلق به آن است (شهید ثانی،۳۱۹). تقطیع از موارد مهمی است که به هر انگیزه ای صورت گیرد بر فهم صحیح و کامل حدیث تأثیر می گذارد. از این رو موضوع تقطیع حدیث از جهت انتقال معانی واقعی روایات، همواره از دغدغه های محدثان بوده است. روش بحرانی ذکر کامل حدیث می باشد لکن در برخی از احادیث به علت طولانی بودن، روایت را تقطیع نموده و موضع حاجت را با عباراتی چون "ذکر خبر طویلا له اختصرت هذا منه " (باب۵ بخش۸ حدیث۱) یا " و الحدیث فیه زیاده و حذفناها" (باب٤ بخش۱ حدیث۱۷) و "فی حدیث طویل" (باب۳ بخش۱ حدیث۳ ، باب ۷بخش۵ حدیث۲)تعبیر می‌کند چرا که تکرار یک روایت که شامل چند حکم است به تعداد ابواب مختلف جز اتلاف وقت مؤلف و پژوهشگر نتیجه ای ندارد.

۲-٤-اختصار در ذکر سند

بحرانی گاهی اوقات روایات مختلفی را ذکر می کند و اگر سلسله سند همان سلسله سند قبلی باشد، برای جلوگیری از تکرار در جهت اختصار با عبارت "بهذا الاسناد" به آن اشاره می‌کند و سند را به روایت قبلی حواله می نماید (رک: باب۳ بخش۳ حدیث۳۹،٤۰؛باب٤ بخش۱ حدیث۳۷،۵۲؛ باب٦ بخش۳ حدیث۲).

۳-روش بحرانی در تبیین احادیث

بدون فهم متن، راهی به سوی کشف نظر دین وجود ندارد. از این رو فهم حدیث دغدغه اساسی علماء و متخصصان دین بوده و هست. قابل توجه است مؤلف ذیل هر روایتی که نیاز به شرح داشته است با عنوان "بیان" مطالبی ذکر می کند. اکنون لازم است به نقش این عالم بزرگ در جهت فهم بهتر روایات بپردازیم. در این نوشتار به مهم ترین راهکار های مؤلف در این زمینه پرداخته می شود.

۳-۱ - توضیح واژگان

با توجه به فاصله زمانی موجود میان ما و عصر معصومین(علیهم السلام) و تطور معانی واژگان در گذر زمان، بیان و توضیح معانی کلمات دشوار بکاررفته در روایت ها الزامی است. چه بسا کلماتی که در زمان امامان(علیهم السلام) در معنایی بکار رفته اند که در زمان حاضر از آن معانی تهی شده اند و حتی معانی معارض با معنای اولی یافته اند. لذا فهم صحیح متن حدیث مانند فهم دیگر متون، در گرو فهم تک تک مفردات است. فهم و کشف معانی واژگان بکاررفته

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-11]
[DOR: 20.1001.1.20080417.1394.9.17.5.0]

در این کتاب گاه به شیوه اجتهادی است و بحرانی خود به تناسب کلام به ذکر معنای واژگان می پردازد البته در این موارد شاید بتوان گفت از کتب لغت بهره گیری شده اما نامی از منبع ذکر نشده است که به مواردی از آن بسنده می شود: زاریا: عاتبا، ساخطا، غیر راض(ب۹ بخش۵ حدیث۸)،الکبر بالتحریک: الطبل(باب۲۲ بخش٦ حدیث۲)،الصمصام: السیف الصارم الذی لا ینثنی (باب٦ بخش۷ حدیث۵)و تماثل العلیل: قارب البرء(باب٤ بخش۱ حدیث۱۲) و گاه این امر با استفاده از منابع صورت می گیرد. بحرانی در این کتاب ازکتب کهن لغت همچون تاج اللغه اثر اسماعیل بن حماد جوهری (متوفی۳۹۳ق)، قاموس المحیط اثر محمد بن یعقوب فیروزآبادی (متوفی۷۲۹ق) و النهایه از مبارک بن محمد جزری(متوفی٦۰٦) بهره برده است.به عنوان مثال وی ذیل عبارت "فما زال یعرج منها حتی مات:از آن حادثه همچنان لنگ بود تا از دنیا رفت"به نقل از جوهری"عرج" را هرگاه چیزی به پایشخص اصابت کند که باعث شود راه رفتنش، راه رفتن افراد لنگ شود، دانسته و در ادامه می گوید: اما اگر مادرزادی لنگ باشد"عرج بالکسر" گویند(باب ٤ بخش۱ حدیث٤۵ و نک: باب٤ بخش۱ حدیث٤۵، باب ٤ بخش۹ حدیث۱، باب۷ بخش٦ حدیث٦، باب۱۱ بخش٤ حدیث۱). در کلام دیگر به نقل از فیروزآبادی ذیل عبارت "فشرحت رجله فمات من تلک العله بعد شهر: پایش قطع شد و به همین سبب بعد از یک ماه مرد" آورده است: "شرح" به معنی قطع و "شرحه" قطعه ای از گوشت است (باب ۹بخش۳ حدیث۳ و نک: باب۷ بخش۱ حدیث۲، باب۹ بخش۳ حدیث۳، باب۲۳ بخش۱ حدیث۱) یا در عبارت "ثم یدفننی فی دار مضیعه و بلاد غربه: سپس مرا به حالت خواری در بلاد غربت دفن می کنند" به نقل از ابن جزری می گوید: "مضیعه" بر وزن مفعله از ضیاع یعنی دورافکندن، رها کردن و خواری است (باب۲٤ بخش۵ حدیث۱ و نک: باب۱٤ بخش۳ حدیث۱، باب۲٤ بخش۱ حدیث۲، باب۲٤ بخش۵ حدیث۱).

مؤلف در مواردی که نیاز می دیده است ضبط و تلفظ صحیح کلمات را هم بیان کرده است ،این امر سبب می شود تا هم خواننده ضبط کلمه مورد بحث را دقیقا دریابد و هم معنای آن را با دیگر کلمات مشابه به آن خلط نکند، مثلا آورده است: "إرب- بکسر الهمزه و سکون الراء- العضو"(باب٤ بخش۱ حدیث۵۵). یا "الغمر -بالکسر-الحقد و الضغن"(باب٦ بخش۷ حدیث٤)، "بضعه - بالفتح- القطعه من اللحم" (باب۲٤ بخش۱ حدیث۲) و"العلق -بالکسر- النفیس من کل شئ" (باب۲٦ بخش٤حدیث۱) و گاه به بیان جمع و مفرد کلمه می پردازد. به

عنوان مثال آورده است: "النبع: درختی است که از آن کمان درست می کنند و نبعة مفرد آن است و از شاخه هایش تیرمی سازند"(باب٤ بخش۹ حدیث۱)،" آری: محل نگهداری چهارپایان است و جمع آن أواری است" (باب۷ بخش٦ حدیث٦)، "الدواة: آنچه با آن نوشته می شود و جمعش دوی مثل نواة و نوی است"(باب۹ بخش۳ حدیث۲) و " الخلع- بکسر الخاء و فتح اللام- جمع الخلعة است" (باب۹ بخش۵ حدیث۱۱).

۳-۲- بیان مقصود حدیث

بحرانی به دلیل توان علمی و ظرفیت فکری خود توانسته است در فهم و تبیین معانی احادیث قدم جدی بردارد و در برگرفتن پرده ابهام از چهره روایت پژوهشگران را یاری می کند. وی در مواردی ضمن شرح حدیث به روایت و گاهی به اقوال علما اشاره کرده و در جهت تبیین کلام معصوم از اقوال آنان نیز بهره برده است که به ذکر مواردی از آن بسنده می کنیم. وی روایت:" إن أباک أخبرنا بالخلف من بعده فلو أخبرتنا به. قال : فأخذ بیدی فهزها، ثم قال : «**و مَا کَانَ اللَّهُ لِیُضِلَّ قَوْمًا بَعْدَ إِذْ هَدَاهُمْ حَتَىٰ یُبَیِّنَ لَهُم مَّا یَتَّقُونَ إِنَّ اللَّهَ بِکُلِّ شَیْءٍ عَلِیم** »(التوبه، ۱۱۵): راوی می گوید به امام رضا(علیه السلام) گفتم: پدرت به ما از جانشین بعد از خودش خبر داد چرا تو به ما خبر نمی دهی. گفت: امام (علیه السلام) دست مرا گرفت و آن را تکان داد سپسآیه "خدا قومی را که هدایت کرده است گمراه نمی‌خواهد، تا برایشان روشن کند که از چه چیز باید بپرهیزند،که خدا بر هر چیزی داناست"تلاوت نمود (باب۳ بخش۳ حدیث٤)" را به تنهایی دال بر نص صریح بر امامت امام رضا(علیه السلام)نمی داند. در باور وی استشهاد امام(علیه السلام) به آیه (توبه۱۱۵) می تواند تلویحا متضمن نص بر امامت امام رضا(علیه السلام) باشد زیرا از وظایف امام(علیه السلام) مشخص کردن جانشین بعد از خود در زمان مناسب است. سپس او در تأیید این سخن به روایتی از حمیری در قرب الاسناد اشاره می کند که راوی از امام(علیه السلام) راجع به جانشین بعد از خودش می پرسد و امام(علیه السلام) در پاسخ می فرماید: این چیزی که از من سؤال کردی الان وقتش نیست. راوی می گوید: به او گفتم دیدی در مورد پدرت به چه ابتلائی دچار شدیم در حالی که تو از حوادث ایمن نیستی؟! امام(علیه السلام) در پاسخ می فرماید: انشاءالله ، اگرحادثه ای که در مورد من می ترسی اتفاق بیفتد در آن صورت تو و غیر تو حجت دارید و می توانید به آن احتجاج کنید. بعد از ذکر این روایت مؤلف چنین نتیجه می گیرد: از طرف خدا بر امام واجب است که هر گاه خوف از جان داشته

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-11]
[DOR: 20.1001.1.20080417.1394.9.17.5.0]

باشد باید به حجت معروف و آشکار بعد از خودش احتجاج کند بـه همـین دلیـل خداونـد در قرآن می فرماید: « **وَمَاكَانَ اللَّهُ لِيُضِلَّ قَوْمَا بَعْدَ إِذْهَدَئهُمْ حَتىَ يُبَـينِ لَهُـم مَّـايَتَّقُونَ إِنَّ اللَّـهَ بِكلُ‌شىَءٍ عَلِيم** »(التوبه۱۱۵)(همانجا).

نمونه دیگر در باب "معجزات امام (علیه السلام)" است. وی پس از ذکرروایتی بیـان مـی دارد، ابن شهر آشوب نیز مثل این روایت را آورده است، جز ایـن کـه در آخـر روایـت عبـارت "فقـال الناس: إنه اسم حنث" اضافه آمده است: سپس اینگونه بیان می کند: چه بسـامعنی حنـث اسـم اولاد زنا باشد زیرا به ولد زنا، ولد حنث گفته می شد. چون آن ها محصول گناه بوده اند (باب ٤ بخش ۱ حدیث ۸).

در روایتی دیگراز یاسر، خادم امام رضا(علیه السلام) چنین نقل شده است: "کان الرضـا(علیـه السلام) إذا رجع یوم الجمعه من الجامع و قد أصابه العرق و الغبار رفع یدیـه و قـال: اللهـم إن کان فرجی مما أنا فیه بالموت فعجل لی الساعه و لم یزل مغموما مکروبا حتی قبض:زمانی که امام (علیه السلام) از نماز جمعه برگشت عرق بسیاری می کند، در این هنگام دو دستش را بالا می برد و چنین دعا می کند: خدایا اگر فرج من از این حالت مـرگ اسـت، همـین لحظـه آن را برسان. و همچنان مغمـوم و رنـج دیـده بـود تـا قـبض روح شـد" (بـاب ١٤ بخـش ٢ حـدیث ١).بحرانی این دعا را دلالت بر جواز آرزوی مرگ در بعضی احوال می داند و احتمال دیگری را مطرح می کند که چه بسا این دعا برای رفع تصور بعضی افراد جاهل است که گمان می کردنـد امام (علیه السلام) از نزدیکی به مأمون و از افعال او مسرور اسـت و انتظـار ولایتعهـدی را دارد (همانجا).

همچنین ذیل عبارت "ربّ ما کان عنباً حسناً یکون من الجنة: چـه بسـا انگـور نیکـو در بهشـت باشد"که امام (علیه السلام) در پاسخ مأمون که به ایشان گفته بود: "یا ابن رسول الله، مـا رأیـت عنباً أحسن من هذا: انگوری نیکو تر از این ندیدم"(باب ۲۵ بخـش ۳ حـدیث ۲) مـی گویـد، مقصود این است که انگور نیکو تنها در بهشت است که تو از آن محرومـی (همـان جـا). و در روایت دیگر آورده است: محمد بن عرفه به امام (علیه السلام) می گوید:"یا ابن رسول اللـه مـا حملک علی الدخول فی ولایه العهد؟ فقال: ما حمل جدی أمیرالمؤمنین(علیـه السـلام) علـی الدخول فی الشوری: یا ابن رسول الله چه چیز شما را مجبور ساخت که ولایت عهدی مأمون را پذیرفتید. امام (علیه السلام) در پاسخ می گوید: همان چیز کـه جـدم علـی (علیـه السـلام) را

واداشت که در شورا شرکت نماید" (باب ۹ بخش ۷ حدیث ۷).بحرانی در شرح آن چنـین مـی گوید: یعنی مردم از خلافت ما مأیوس نباشند و اقرار مخالفین ما را کـه در امرولایـت بـرای مـا نصیبی است، بدانند. وی در ادامه احتمال دیگری را در نظر می گیرد کـه شـاید ایـن تشـبیه بـه خاطر اشتمال بر مصلحت های پنهانی باشد (همان جا).

۳-۳- استفاده از آیات قرآن

بحرانی در شرح و تبیین معنای حدیث به معارف قرآنی تمسک می جوید. استفاده از آیات قرآن جهت شرح و بیان برخی مطالب و مستدل کردن آن ها از دیگر مشخصه های این شرح اسـت. چنانکه مؤلف در ذیل حدیث "حلفت بالعتق ألا أحلف بالعتق إلا أعتقت رقبه و أعتقـت بعـدها جمیع ما یملک إن کان یری أنه خیر من هذا- و أومی إلی عبد أسود مـن غلمانـه- بقرابتـی مـن رسول الله (ص) إلا أن یکون لی عمل صالح فأکون أفضل منه:من پیش از این با خدایم پیمـان بسته ام که سوگند به عتق نخورم جز اینکه بنده ای را آزاد کنم بعد از آن همه غلامانم را آزاد کردم گرچه ممکن است کسی اینگونه فکر کند که من از این غلام - و به برده سیاه از غلامانش اشـاره میکند -به علت خویشی ام با رسول خدا (صلی الله علیه و آله) برترم مگر آنکه عمـل صـالحی داشته باشم که به جهت آن عمل، فضیلتی به او یافته باشـم"(بـاب ٦بخـش ۱۲حـدیث۳) آورده است:"إن کان یری" یعنی "إن کنت أری" سپس بیان می کند: امام رضا(علیه السلام) این کلام را به صیغه متکلم وحده گفته اند و این تغییر از جانب راوی است تا گمان نشود حکم سوگند، بـه امام(علیه السلام) تعلق گرفته است و در این باره به آیه « **وَالخَـامِسَةُ أَنَّ لَعْنَتَ اللَّهِ عَلَيْهِ إِن كَانَ مِنَ الْكَاذِبِينَ** »: وبارپنجم بگوید کـه لعنـت خـدا براوبـاد اگرازدروغگویـان باشـد"(النـور،۷) استشهاد می کند و در نهایت اینگونه نتیجه می گیردکه امام (علیه السلام) به برده سوگند خـورد چون اعتقاد نداشت که برتری او به بنده سیاهش صرف نزدیکی با پیامبر(صلی الله علیه و آلـه) بدون انضمام اعتقادات حسنه و اعمال صالحه است و ایـن امـر منافـاتی نـدارد کـه قرابـت بـه انضمام اعمال صالح علتی برای رسیدن به درجات علو باشد (همانجا).

۳-٤- شرح کنایات

آوردن عبارات در قالبهای مختلف تشبیه، استعاره و کنایه در انتقال مقصـود بـه خواننـده رسـاتر خواهد بود. امامان معصوم(علیهم السلام) نیز کما بیش این قالب ها را در کلام خود بکار بسته اند، حدیث پژوهان نیز به فراخور استفاده از ایـن دسـت روایـات، تـلاش نمـوده انـد تـا زبـان

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-11]
[DOR: 20.1001.1.20080417.1394.9.17.5.0]

استعاری یا کنایی حدیث را شرح نموده و پرده از چهره روایات برگیرند. به همین سبب بحرانی در شرح متن از این شیوه بهره جسته است.وی ذیل عبارت"فأخذ الاموال التی کانت فی یده و کسرها" در باب "نص أبیه علیه فی کبره و عند وفاته" قائل است، کسر اموال کنایه از تصرف و بخشش مال بدون توجه است(باب۳بخش۳ حدیث۱۲). ویعبارت"إنه کان یترب الکتاب: بر کتاب -نوشته اش- خاک می پاشید"را کنایه از تواضع می داند(باب۷ بخش۵حدیث۲) و ذیل عبارت"مخض زبدتکم: کره تان را به شدت تکان داد طوری که از آن کف خارج شد" آورده است: اینجمله کنایه از مکر و تلاششان در ظاهر کردن باطن مأمون است(باب۱۳بخش۳حدیث۱) و عبارت : "ما کانت نفقتک الا فی کمک:خرجیت نبود مگر در آستینت"را کنایه از کمی نفقه می داندتا جایی که شخص می تواند آن را با خود در آستینش حمل کند یا در به دست آوردن آن مقداردچار خستگی نگردد(باب۱٦ بخش۲ حدیث٤).

۳-٤- مشخص کردن افراد

بحرانی در باب "مکارم اخلاق امام (علیه السلام)" به معرفی افراد پرداخته است.او ازمعمر بن خلاد روایت می کند: بر امام رضا(علیه السلام) وارد شدیم و یکی از ما عرض کرد: فدایت شویم چرا رخسارتان را دگرگون می بینیم؟ امام (علیه السلام) فرمودند: من بیشتر شب بیداری کشیدم و در این شعر مروان بن ابی حفصه می اندیشیدم که گفته است: از کجا می شود و این شدنی نخواهد بودکه دخترزاده ها ارث به جای عموها ببرند؟ در ادامه علی بن موسی الرضا(علیه السلام) می فرماید: سپس خوابیدم ناگاه در خواب دیدم شخصی چهارچوب در را گرفته و می گوید: از کجا می شود و این شدنی نخواهد بود که مشرکین پرچمداران اسلام باشند-دخترزادگان نصیب ارث خود را از جدشان می برند در حالی که عمو بدون ارث کنار می رود- آن که آزاد شده است چگونه ارث نبوت برده؟ چه بسا آزاد شده ای که از ترس شمشیر سجده کرده است.وی مراد از "آزاد شده" را عباس عموی پیامبر(صلوات الله علیه) می داند که روز بدر اسیر شد و با فدیه آزاد گشت(باب٦ بخش۷ حدیث۵).

۳-۵- استفاده از منقولات تاریخی

مؤلف بسته به نیاز، از منقولات تاریخی نیز بهره برده است. هر چند که استفاده از تاریخ در این کتاب به ویژه در سنجش با مستدرک آن پررنگ نیست و تنها می توان به گزارشی در باب معجزات امام رضا(علیه السلام) ذیل روایتی اشاره کرد، آنجا که آمده است: "فکان أمر محمد

بن ابراهیم و أمر اهل بغداد و أمر اصحاب زهیر و هزیمتهم"، بحرانی آورده است: این مطلب اشاره به جنگ سپاهیان امین و مأمون و خلع امین دارد و محمد بن ابراهیم بن الاغلب الافریقی از یاران امین بود و زهیر بن مسیب از یاران مأمون و این اشاره به ابتدای جنگ است که غلبه با امین بود (باب٤ بخش۱ حدیث۱).

۳-٦- بکار گیری علوم ادبی

دانستن قواعد دستور هر زبانی کلید آن زبان محسوب می شود که بدون آن نمی توان به فهم متون دست یافت از سوی دیگر چون احادیث معصومان به زبان عربی صادر شده اند یکی از لوازم شرح روایت ها بکار گیری قواعد عربی است.از این رو بحرانی در بیان معانی احادیث از این قاعده بهره برده است. چنانکه ویدر باب "نص أبیه علیه فی کبره و عند وفاته"ذیل عبارت " من لم یکن له بد من لقائی فلا یلقنی الا بکتابه: هر کس به ناچار باید خودم را ملاقات کند تنها با دست خط او مرا ملاقات می کند "(باب۳ بخش۳ حدیث۱۸)مرجع ضمیر در "کتابه" را علی بن موسی الرضا(علیه السلام) می داند و احتمال دیگری بیان می دارد که ممکن است به موصول(من) برگردد(همانجا). در جای دیگر عبارت "و قعدت فی هذه البلاد و ترکت بیت الهجره و مهبط الوحی و إن المهاجرین و الانصار یظلمون دونک: در این سرزمین ها نشسته ای و از مدینه دارالهجره و محل نزول وحی غافل شده ای و مهاجرین و انصار در آن جا مظلوم واقع شده اند و با بودن تو به آنان ظلم می شود"(باب۱٦ بخش۱ حدیث۱)"یظلمون"را بر بناء مجهول می داند(همانجا) یا ذیل عبارت "حلفت بالعتق ألا أحلف بالعتق إلا أعتقت رقبه و أعتقت بعدها: من پیش از این با خدایم پیمان بسته ام که سوگند به عتق نخورم جز اینکه بنده ای را آزاد کنم اکنون همه غلامانم را آزاد کردم"(باب٦بخش ۱۲حدیث۳) احتمال می دهد که "إعتقت"معطوف به قول "حلفت"باشد که در این صورت قسم دوم است یا عتق متعلق به شرط مذکور باشد که در این صورت آنچه قبل از آن است جمله معترضه است(همانجا).

۳-۷- اعتنا به نسخ دیگر

دستیابی به نسخه های متعدد و دسترسی به گزارش های متفاوت راویان و کتب حدیث، یکی از بهترین راه های احراز صحت متن و اطمینان نسبی از سخن ابراز شده از سوی امام معصوم(ع) است (مسعودی، ۳۲).شیخ در این کتاب به نسخه ها و کتب و منابع دیگر توجه کرده است و تفاوت متن نسخه ها را بیان می دارد. به عنوان مثال درابیات دعبل خزاعی ذیل کلمه "حنینیه"

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-11]
[DOR: 20.1001.1.20080417.1394.9.17.5.0]

مؤلف آورده است: در بعضی نسخ "حبیبیه" آمده است که به معنی نغمه است و اظهر این است که "حسینیه" باشد همانطور که در بعضی از نسخه ها آمده است و آن نغمه معروفی است (باب۹ بخش٦ حدیث۲) یا در باب"ما کتب المأمون فی جواب کتاب بنی هاشم فی ذلک" بعد از ذکر نامه چنین می گوید: این خبر در بعضی از نسخ طرائف[1] آمده بود در حالی که در اکثر نسخه ها نبود (باب١٤ بخش۳ حدیث۱).

٤-تقسیم احادیث عوالم العلوم از جهت راویان سند

احادیث کتاب عوالم العلوم نیز مانند سایر کتب حدیثی در یک سطح قرار ندارند، بلکه گاهی مواردی در سلسله سند به چشم می خورد که آن را از سطح حدیث صحیح و حسن خارج می سازد . اینک به بررسی هر یک می‌پردازیم.

٤-۱- مسند

عالمان حدیث مسند را حدیثی می دانند که سلسله سند آن در جمیع مراتب تا معصوم مذکور و متصل باشد (شهید ثانی، ۹۷). در عوالم العلوم، نود و شش حدیث به شکل مسند آمده است.مؤلف در این کتاب از ۲۹۵ راوی که ۷ تن آنها زن می باشند، روایت کرده است که از این میان، از افراد زیر بیشترین روایات نقل شده است: ابراهیم بن عباس - صولی- ، ابراهیم بن مهدی، ابن قولویه، ابن متوکل، ابن الولید، احمد بن ادریس، بزنطی، احمد بن محمد بن عیسی، حسن بن سهل، حسن بن علی الوشاء،حسن بن موسی، ریان بن صلت، ابو صلت هروی، علی بن ابراهیم بن هاشم، محمد بن سنان، ماجیلویه یاسر - خادم امام رضا(علیه السلام) ، کلینی، صدوق، وراق، همدانی و یقطینی.

همچنین از معصومان زیر به ترتیب کثرت، روایاتی را نقل کرده است:

۱- امام کاظم (علیه السلام) ۵۷ روایت

۲- امام رضا (علیه السلام) ۲۷ روایت

۳- امام جواد (علیه السلام) ٦ روایت

٤- امام صادق (علیه السلام) ٤ روایت

۵- امام علی (علیه السلام) و امام حسن عسگری (علیه السلام) هر یک ۱ روایت.

۱- مقصود ار کتب اطراف، کتابهایی است که در آن مؤلف بسنده به ذکر قسمتی از حدیث که دلالت بر بقیه آن دارد، می نماید سپس طرق و اسانید آن حدیث را به نقل از مأخذی که حدیث در آن وجود دارد، می آورد (معارف،۱۷۵).

لازم به ذکر است در نسخه خطی مؤلف، قبل از برخی احادیث یا اسانید، دایره قرمز رنگی کشیده شده که نمایانگر آن بوده است که حدیث یا سند به آن منبع تفرد داشته یا از هیچیک از ائمه(علیهم السلام) جز امام مذکور در آن سند، نقل نشده است لکن در نسخ بعدی به علت عدم مراعات ناسخین این نشانه از بین رفته است(حسینی،شماره۷، ص۱۳۰).

٤-۲- مرسل

شخصی که خود حدیث را از پیامبر (صلوات الله علیه) یا امام نشنیده اگر بدون وساطت صحابی از معصوم نقل کند، چنین حدیثی را مرسل نامند(شهید ثانی،۱۳٦). جز این بر حدیثی که بیش از یک نفر از سلسله سند حذف گردیده اطلاق شده است (همان، ۱۳۷). البته معروف نزد علمای شیعه آن است که مرسل به حدیثی گویند که تمام راویان زنجیره سند یا برخی از آنها حذف شده باشد و یا به الفاظ مبهم و مجملی چون عن بعض، عن رجل ... آورده شده باشد (همان، ۱۳٦).بعضی از روایات مرسل کتاب به اشکال ذیل می باشد که به آن اشاره می شود.

در عوالم العلوم گاه به احادیثی برمی خوریم که تمام راویان زنجیره سند حذف گشته و با ذکر "مرسلا" به این موضوع اشاره شده است (رک:باب۱ بخش۳ حدیث۲، باب٤ بخش۱ حدیث۲۲ و ١٦) یا برخی از آنها حذف شده (نک: باب٤ بخش۱ حدیث۲۳، باب۳ بخش۳ حدیث۲۵، باب۹ بخش۵ حدیث۱۰) یا تنها نام معصوم ذکر شده است (باب ۳بخش۱ حدیث۳، باب۵ بخش۳حدیث۱) گاهی نیز در زنجیره سند روایات، عبارات مبهم و مجهولی چون "بعض اصحابنا"(باب٦ بخش۸ حدیث۳)، "بعض اصحابه"(باب٤ بخش۱ حدیث۵۵)،"عده من اصحابه"(باب۳ بخش۳ حدیث۳۷)،"عمن أخبره"(باب٤ بخش۲ حدیث۱)، "عمن ذکره"(باب٤ بخش٤ حدیث۲)، "من سمع الرضا"(باب۹ بخش۵ حدیث۹)، "مولی العبد الصالح"(باب٤ بخش۱ حدیث۳٤) آورده شده است که این امر سبب می شود راویان سند مشخص نشوند و حدیث جزء احادیث مرسل به حساب آید.

۵-۳- موقوف

در نگاه عالمان حدیث موقوف به حدیثی اطلاق می شود که از شخص مصاحب معصوم نقل شده باشد چه سلسله سند به صحابی متصل باشد چه منفصل، خواه قول باشد یا فعل یا غیر اینها(شهید ثانی، ۱۳۱).برخی روایات در این کتاب از مصاحبان ائمه اطهار (علیه السلام) نقل شده است، مانند: هشام بن احمد (باب۲ بخش۱ حدیث۳؛ طوسی،۳٤۵)، فضل بن

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-11]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1394.9.17.5.0]

یونس(باب٤ بخش١ حدیث٧٠؛خوئی، ١٤/ ٣٣٧)از اصحاب امام کاظم(علیه السلام)،صفوان بن یحیی(باب٣ بخش٣ حدیث٤٣؛نجاشی، ١٩٧؛ طوسی، ٣٣٨)،عبد السلام بن صالح- ابو الصلت- (باب٥ بخش٥ حدیث٥؛ نجاشی، ٢٤٥؛ خویی، ١١/ ١٨)، موسی بن مهران (باب٤ بخش١ حدیث٢٨؛خویی، ٢٠/ ٨٤)، از اصحاب امام رضا(علیه السلام)، موسی بن عمر بن یزیع(باب٤ بخش١ حدیث٣٧) از اصحاب امام جواد(علیه السلام) (برقی، رجال،بی تا،ص٥٨) و امام هادی(علیه السلام) (طوسی، ٣٩١)و عبدالعظیم حسنی(باب٦ بخش٥ حدیث٧)از اصحاب امام هادی(علیه السلام) (طوسی، ٣٨٧) و امام حسن عسگری(علیه السلام) (همانجا، ٤٠١؛ خویی، ١١/ ٥١)، حکیمه دختر موسی بن جعفر(علیه السلام) (باب ٤ بخش١ حدیث١٦ ؛ برقی، ٦٢) و یاسر خادم امام رضا(علیه السلام)(باب ٤بخش٨ حدیث٤؛ طوسی، ٣٦٩) از دیگر مصاحبان معصوم می‌باشند.

٥-٤- مهمل

گاهی در اسناد کتاب افرادی ذکر شده اند که یا نام آنها در کتب رجالی نیامده یا بیانی از روش، عقیده و مرام آنها نشده است عالمان حدیث چنین حدیثی را مهمل گویند(مامقانی،١/ ٣٩٧) مانند سلمه بن محرز(باب٣ بخش١ حدیث١)، عمر بن واقد(باب٣ بخش٣ حدیث٤)، غزوان الضبی(باب٢٤ بخش٢ حدیث١)، فلان بن محرز(باب٤ بخش١ حدیث٨٧) و قاسم بن محمد البرمکی(باب٣ بخش٤ حدیث١) که از آنها در کتب رجالی یادی نشده است .

٥-٥- مصحف

مصحف حدیثی است که بعضی از سند یا متن به مشابه خود تغییر یافته باشد (شهید ثانی، ١١٠).گاهی در سلسله سند بعضی روایات کتاب به افرادی بر می خوریم که در نسخ دیگر به مشابه خود تغییر کرده است، چنانکه در باب ٣ ذیل حدیث ٦ در زنجیره حدیث آمده است: "....عن نشیط عن خالد الجوان" در حالیکه در بعضی نسخ دیگر "الجواز" یا "الحوار" آمده است (باب٣ بخش٣ حدیث٦). یا در زنجیره حدیثی دیگر آمده است:" ... عن محمد بن زید" که در نسخ دیگر تصحیف شده و "محمد بن یزید" آمده (باب٣ بخش٣ حدیث١٩) همچنین داود بن زربی به داود بن رزین(باب٣ بخش٣ حدیث٣٤)، حسین بن محمد به حسن بن محمد (همانجا حدیث٣٦)، زهیر به زبیر(باب٤ بخش١ حدیث١) و موسی بن مهران به موسی بن عمران(باب٤ بخش١ حدیث٨٨) تصحیف شده اند و زمانی به روایاتی برمیخوریم که

بخشی از متن به مشابه خود تغییر یافته است به عنوان مثال در باب "نص أبیه علیه فی کبره و عند وفاته" در متن حدیث ٢٤ آمده است: "کان ابوالحسن(علیه السلام) یبتدئ بالثناء علی إبنه" که در روایت مشابه خود به "أبیه" تغییر یافته است(باب٣ بخش٣ حدیث٣٤) یا حدیث ٥ در باب "معجزات امام(علیه السلام)" آمده است: "فدخلت الی منزل الحسین بن بشیر" که در بعضی نسخ "الحسن بن بشیر" و در بعضی دیگر "ابی الحسن بن بشیر" می باشد(باب٤ بخش١حدیث٥) یا در متن روایت ٦٣ باب "معجزات امام(ع)" عبارت "امرأتی اخت محمد بن سنان" به "محمد بن سینا" تصحیف شده است(باب ٤ بخش١ حدیث٨٨).

نتایج مقاله

١- بحرانی احادیث رسیده در هر موضوع را جمع آوری کرده، سپس ابواب متعددی برای آنها ایجاد کرده و بعد از انتخاب عناوین برای هر باب، روایات را در باب مخصوص خود جای داده است. آوردن اسناد مختلف ذیل یک روایت یا نقل یک مضمون با الفاظ متفاوت سبب تواتر اجمالی روایات گشته است.مشخص کردن موارد تقطیع را می توان ازدیگر امتیازات کتاب نام برد.

٢- وی به منظور آگاهی از متن حدیث به نسخ دیگر اعتنا کرده و در موارد متعددی به بیان واژگان و شرح آنها با استناد به منابع معتبر می پردازد و از شرح کنایات و بکار گرفتن علوم ادبی غافل نبوده است.بحرانی با تأمل در مفاد احادیث به بیان معانی روایات پرداخته و ضمن شرح حدیث به اقوال علما و دیگر روایات اشاره داشته و تلاش خود را به منظور جلوگیری از برداشت های نادرست از احادیث بکار برده و پژوهشگر را به معانی مورد نظر نزدیک کرده است.

٣- در بررسی انجام شده از جهت راویان و متن احادیث به این نتیجه رسیدیم که نود و شش حدیث از احادیث کتاب، مسند بوده و زنجیره سند تا معصوم متصل می باشد که این امر سبب

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-11]
[DOR: 20.1001.1.20080417.1394.9.17.5.0]

می گردد عمده روایات کتاب داخل در احادیث صحیح شود لکن احادیث مرسل، موقوف، مهمل و مصحف نیز در کتاب مشاهده می شود.

منابع

۱- قرآن کریم

۲- امین، محسن، اعیان الشیعه، بیروت: دارالتعارف للمطبوعات، ۱۹۹۸م.

۳- بحرانی اصفهانی، عبدالله، عوالم العلوم و المعارف و الاحوال، قم: مؤسسه الامام المهدی، ۱٤۱۱ق.

٤- برقی،الرجال، بی جا، بی تا.

٥- تهرانی، آقا بزرگ، الذریعه الی تصانیف الشیعه، بیروت: دارالاضواء، ۱٤۰۳ق - ۱۹۸۳م.

٦- التعریف بالتراث، نشریه الهادی، شماره۷، فروردین ۱۳٥۲ش.

۷- حسینی،سیداحمد، تلامذه العلامه المجلسی، قم: مکتبه آیه الله مرعشی نجفی، ۱٤۱۰ق.

۸- خوئی،سید ابوالقاسم، معجم رجال الحدیث و تفصیل طبقات و الروات، بی جا، ۱٤۱۳ق.

۹- شهید ثانی، زین الدین، الرعایه فی علم الدرایه، قم: مکتبه آیت الله نجفی مرعشی، ۱٤۰۸ق.

۱۰- شانه چی، کاظم، علم الحدیث و درایه الحدیث، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۷۲ق.

۱۱- طوسی، محمد بن الحسن، الرجال، قم: مؤسسه النشر الاسلامی، ۱٤۱٥ق.

۱۲- مامقانی، عبدالله، مقباس الهدایة، قم: آل البیت، ۱٤۱۱ق.

۱۳- مجلسی، محمد باقر، بحارالانوار، بیروت: دار احیاء التراث العربی،۱٤۰۳ ق.

۱٤- مسعودی، عبدالهادی،روش فهم حدیث، تهران: انتشارات سمت،۱۳۸۳ش.

۱٥- مهدوی، مصلح الدین، زندگی نامه علامه مجلسی، تهران: سازمان چاپ و انتشارات، ۱۳۷۸ش.

۱٦- نوری، حسن، الفیض القدسی فی ترجمه العلامه المجلسی فی بحارالانوار، بیروت: مؤسسه الوفاء، ۱٤۰۳ق.

۱۷- نجاشی، احمد بن علی، رجال نجاشی، تحقیق سید موسی شبیری زنجانی، قم: مؤسسه نشر اسلامی، بی تا.

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-11]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1394.9.17.5.0]